

# مقایسه حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه

سمیه کاظمیان<sup>۱</sup>، سمیرا باقری راد<sup>۲</sup>

۱. استادیار دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۴۷-۱۳۴

## چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای قرار داشت. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان مراجعه‌کننده به مرکز خانه سلامت و مشاوره سرای محله منطقه ۱۴ در شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود (حدوداً ۵۰۰ نفر)، که از میان آن‌ها ۱۲۰ نفر (۶۰ زن متأهل و ۶۰ زن مطلقه) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های حساسیت بین فردی بایس و پارکر (۱۹۸۹)، تحریف‌های شناختی آلیس (۱۹۹۸) و نگرش به طلاق کینایرد و جرارد (۱۹۸۶) استفاده گردید. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد: بین حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که میانگین نمرات حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش مثبت به طلاق در زنان مطلقه بالاتر بود. نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌تواند مورد استفاده متولیان و مراکز مشاوره، بهداشت و درمان قرار گرفته تا برنامه‌ریزی مناسبی جهت مشاوره به زنان داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی، نگرش به طلاق، زنان.

## مقدمه

خانواده یکی از مهم ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی است. نظام خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی است که اساس و زیر ساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشری به شمار می رود (همایونی، ۱۳۹۹). مسئله ازدواج و زناشویی یکی از مهمترین و اساسی ترین موضوعات مورد توجه جامعه بشری است و اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که افراد در بزرگسالی قبول می کنند. درواقع ازدواج مهمترین و بنیادی ترین رابطه ی انسانی است (اس پارک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). یکی از مهم ترین عوامل ازهم گسیختگی بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده، طلاق است. بررسی شرایط علی طلاق نشان می دهد که تبعات طلاق منحصر به خانواده و اعضای خانواده نیست بلکه این پدیده باعث متزلزل شدن اجتماع نیز می شود (حسینی، ۱۴۰۰). چالش های زندگی بعد از طلاق هر دو جنس را متأثر می کند اما پژوهش های متعددی گزارش کرده اند که زنان از آسیب پذیری بیشتری نسبت به مردان برخوردارند. بسیاری از زنان پریشانی و انزوای زیادی را تحمل می کنند (گلایی و شکوهی عالیشاه، ۱۴۰۰)، زیرا مجبورند زندگی خود را با هنجارهای اجتماعی دیکته شده توسط خانواده، دوستان و فرهنگی که در آن زندگی می کنند از نو تطبیق دهند (خطیبه<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). لورنز و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) با مطالعه آثار کوتاه مدت و بلندمدت طلاق بر زنان به این نتیجه رسیدند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به طور معناداری در سال های اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از فشار و پریشانی روانی و در یک دهه بعد سطوح بالاتری از بیماری را تجربه می کنند. همچنین، این زنان سطوح بالاتری از حوادث پراسترس زندگی که در نهایت به افسردگی منجر می شود را تجربه می کنند. با توجه به پیامدهای نامطلوب طلاق، مطالعه عوامل تاثیرگذار بر این موضوع و مقایسه عوامل روان شناختی مختلف در میان زنان مطلقه و زنان متأهل مورد توجه قرار گرفته است. برخی از مشکلات اثر قاطعی در بروز مشکلات زناشویی و طلاق دارد که از آن جمله حساسیت بین فردی می باشد (پورمحسنی کلوری، موفق، ۱۴۰۱).

حساسیت بین فردی، یک احساس عدم کفایت شخصی، همراه با تفسیرهای نادرست مکرر از رفتار بین فردی دیگران است و در نتیجه با احساس ناراحتی در حضور دیگران و به عنوان اجتناب بین فردی و رفتارهای غیرجراتمندانه مشخص می شود (باقری شیخانگفته و فراهانی، ۱۴۰۱). حساسیت بین فردی ساختاری چندبعدی دارد که شامل آگاهی بین فردی (حساسیت به تعاملات بین فردی و هوشیاری فرد نسبت به رفتار و احساسات دیگران) اضطراب جدایی (اضطراب فرد زمان جدا شدن از افراد مهم زندگی و بالأخص تکیه گاه دل بستگی)، کمرویی (عدم جراتمندی و ترس از ناراحت کردن دیگران)، خود درونی شکننده (فرد احساسات درونی خود را به خاطر ترس از طرد شدن و مورد انتقاد قرار گرفتن بیان نمی کند) و نیاز به تأیید (تمایل فرد برای خشنود کردن و رضایت دیگران) می باشد (اوتسوکا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). حساسیت بین فردی می تواند تأثیر مهمی بر روابط زناشویی داشته باشد. افراد با حساسیت بین فردی بالا ممکن است به راحتی به مشکلات در رابطه واکنش منفی نشان دهند، در عوض، افرادی که حساسیت بین

<sup>1</sup> Spark<sup>2</sup> Khataybeh<sup>3</sup> Lorenz, Wickrama, & Conger, & Elder<sup>4</sup> Otsuka, Takaesu, Sato, Masuya, Ichiki, Kusumi, & Inoue

فردی کمتری دارند ممکن است بتوانند با مشکلات روابطی بهتر کنار بیایند و روابط پایدارتری را تجربه کنند (کمال<sup>۱</sup>، عبدل و وان، ۲۰۲۳). لرکی (۱۴۰۱) نیز بیان داشت: حساسیت بین فردی می‌تواند باعث تعارض زناشویی و در نهایت جدایی زوجین شود به این دلیل که افراد با حساسیت بین فردی بالا ممکن است سخت‌گیری بیش‌ازحد در مورد نیازها و انتظاراتشان داشته باشند به‌علاوه، این افراد ممکن است دشواری در مدیریت احساساتشان داشته باشند و واکنش‌های غیرمنطقی و شدیدی نسبت به مسائل زندگی زناشویی داشته باشند، که می‌تواند به تعارضات بیشتر منجر شود. تحریف‌های شناختی متغیر دیگری است که موجب ناسازگاری‌های رفتاری و تعارض زناشویی می‌گردد. در این زمینه سپهری هلان، بیکی اردکانی و حسین زاده (۱۴۰۱)، در پژوهشی نشان دادند بین تعارض زناشویی و تحریف‌های شناختی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. تحریف‌های شناختی، باورهای غلط، انعطاف‌ناپذیر و خشک هستند که باعث می‌شود افراد درک درستی از اتفاقات پیش‌آمده نداشته باشند و دچار سوءتفاهم شوند (الیس<sup>۲</sup> ۱۹۹۸). بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده تحریفات شناختی می‌تواند منجر به افزایش تعارضات و کاهش کیفیت روابط زناشویی و در نهایت طلاق زوجین شود (آیدین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). بک<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، معتقد است ریشه اکثر مشکلات و ناسازگاری‌های زناشویی در افکار غیرمنطقی یک یا هر دو زوج است و در صورتی که اصلاح نشود، ممکن است زندگی زناشویی از بین برود. اسمعیلی، درخشان، محمودپور، خسروانی (۱۳۹۹)، نیز در پژوهش خود از تحریف‌های شناختی به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق بین زوجین نام‌برده است. در نهایت نگرش به طلاق متغیر دیگری است که در پژوهش حاضر موردبررسی قرار دارد. تقریباً تمام پژوهشگران بر این عقیده‌اند که نگرش نمایانگر ارزیابی کلی فرد از یک موضوع است. مؤلفه‌های این ارزیابی کلی ممکن است عاطفی، شناختی و رفتاری باشند (بونر و وانک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). نگرش مقدمه‌ی عمل است. هر نگرش خاص به یک پدیده یا مقوله خاص، آمادگی خاصی در فرد برای عمل، ایجاد می‌کند، در نتیجه نگرش افراد به طلاق و نوع احساس و جهت‌گیری آنان نسبت به این پدیده اجتماعی می‌تواند در تصمیم و اقدام به طلاق مؤثر باشد (کریمی، ۱۴۰۲). در صورتی که این نگرش، نگرشی مثبت باشد می‌تواند در آینده منجر به طلاق شود. پس نحوه نگرش به طلاق می‌تواند یکی از عوامل زمینه‌ساز بروز این پدیده در جامعه باشد (بگی و حسینی، ۱۴۰۰). بسیاری از محققان اجتماعی معتقدند که نگرش مثبت به طلاق می‌تواند بر کاهش کیفیت زندگی زناشویی و احتمال بروز طلاق در زندگی همسران نقش مؤثری داشته باشد، برعکس، نگرش منفی به طلاق به ایجاد هنجارهای اجتماعی پشتیبان خانواده کمک می‌کند (روتالو<sup>۶</sup> و کاسرو، ۲۰۱۶، دیاز<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۳، کوان<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۳، ویتون<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۳، مایلز<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۰، کاپینوس<sup>۱۱</sup> و فلاور، ۲۰۰۸).

<sup>1</sup> Kamal, Abdul, Wan

<sup>2</sup> Ellis,

<sup>3</sup> Aydın

<sup>4</sup> Beck

<sup>5</sup> Bohner, & wank

<sup>6</sup> Rootalu & Kasearu

<sup>7</sup> Diaz, Molina, MacMillan, Duran, & Swart

<sup>8</sup> Kwan, Mellor, Rizzuto, Kolar, Mamat, Norul Hidayah Bt

<sup>9</sup> Whitton, Sarah, Stanley, Scott, Markman, Howard, Johnson, Christine

<sup>10</sup> Miles, Servaty-Seib.

<sup>11</sup> Kapinus & Flowers

به‌طورکلی، نگرش به طلاق می‌تواند تأثیر بزرگی بر تصمیم‌گیری‌ها، احساسات، و کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد (اجاقلو، ۱۴۰۰). با توجه به اهمیت خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نیز افزایش آمار طلاق‌های عاطفی و رسمی در کشور و تبعات ناشی از آن در آرامش فردی، فرهنگ اجتماعی، اقتصادی و ...، شناخت عوامل مرتبط با طلاق زوجین حیاتی به نظر می‌رسد. با توجه به نقش حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق که در مورد آن صحبت شد، ادبیات در دسترس نشان می‌دهد مطالعه‌ای که به مقایسه همزمان حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه در شهر تهران پرداخته باشد یافت نشد و اغلب مطالعات صورت گرفته به بررسی نقش جداگانه عوامل ذکرشده بر طلاق پرداخته‌اند. از این‌رو، در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال اساسی هستیم که آیا بین حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت وجود دارد؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. از نظر روش و ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، زنان مراجعه‌کننده به مرکز خانه سلامت و مشاوره سرای محله منطقه ۱۴ در شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود (حدوداً ۵۰۰ نفر). در این پژوهش حجم نمونه ۱۲۰ نفر در نظر گرفته شد (۶۰ پرسشنامه در میان زنان مطلقه و ۶۰ پرسشنامه در میان زنان عادی توزیع شد). روش نمونه‌گیری نیز در دسترس بود. در پژوهش حاضر پس از تهیه پرسشنامه‌های پژوهش، پژوهشگر به خانه سلامت و مشاوره سرای محله منطقه ۱۴ در شهر تهران مراجعه نمود و پس از معرفی خود و روش پژوهش، پرسشنامه‌ها جهت بررسی در اختیار مدیریت مرکز قرار گرفت و با توزیع پرسشنامه در میان نمونه‌های آماری موافقت گردید. با توجه به هدف پژوهش زنانی که تمایل به همکاری داشتند به دو گروه زنان عادی و مطلقه تقسیم شدند؛ و پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. این اطمینان به آن‌ها داده شد که اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و نیازی به ذکر نام نیست. جهت تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی عمل شد. در سطح آمار توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از جدول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیرها استفاده گردید. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS22 صورت گرفت.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه حساسیت بین فردی بایس و پارکر:** پرسشنامه حساسیت بین فردی (IPSM) توسط بایس و پارکر در سال ۱۹۸۹ برای سنجش حساسیت بین فردی یا حساسیت به طرد اجتماعی ابداع شد. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال و ۵ زیر مقیاس است. زیرمقیاس‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: آگاهی بین فردی<sup>۱</sup> (حساسیت به تعاملات بین فردی، ادراک فرد از تأثیر خود بر روی دیگران و پیامدهای انتقادی یا منفی از دیگران)، نیاز به تائید<sup>۲</sup> (تمایل به خشنود کردن دیگران و برقراری ارتباط صلح‌آمیز)، اضطراب

<sup>۱</sup> Interpersonal awareness

<sup>۲</sup> need for approval

جدایی<sup>۱</sup> (احساس اضطراب در روابط بین فردی)، کمرویی<sup>۲</sup> (عدم جرات ورزی یا عدم کسب تقویت پاداش به علت کمرویی خود) و عزت نفس شکننده<sup>۳</sup> (احساس فرد از دوست داشتنی نبودن خودش و پنهان شدن از دیگران) است و با استفاده از مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۴) با حداقل نمره ۳۶ و حداکثر ۱۴۴ نمره‌گذاری می‌شود، کسب نمره بالاتر بیانگر حساسیت بین فردی بیشتر است. بایس و پارکر (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین فردی ۰/۷۶، نیاز به تأیید ۰/۵۵، اضطراب جدایی ۰/۶۷، کمرویی ۰/۶۳ و عزت نفس شکننده ۰/۵۹ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آوردند. همچنین آن‌ها روایی همزمان این آزمون را با آزمون قضاوت بالینی حساسیت بین فردی برابر ۰/۷۲ برآورد نمودند که نشانگر روایی همزمان بالای این پرسشنامه است. در ایران آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش وجودی و همکاران (۱۳۹۳) برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین محمدیان و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه پرداختند. آن‌ها آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین فردی ۰/۷۰، نیاز به تأیید ۰/۵۱، اضطراب جدایی ۰/۵۸، کمرویی ۰/۵۸ و عزت نفس شکننده ۰/۷۰ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آوردند.

**پرسشنامه تحریف‌های شناختی آلیس:** این پرسشنامه شامل ۲۰ عبارت است که توسط آلیس (۱۹۹۸) طراحی شده است. نمره‌گذاری گویه‌های پرسشنامه به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد؛ و بر اساس نمره‌گذاری پرسشنامه، هر فردی که نمره بیشتری را کسب کند از تفکر مناسب‌تری برخوردار است و هرکس که نمره کمتری به دست آورد از تحریف‌های بیشتری برخوردار است. پایایی خارجی آن توسط آلیس از طریق همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۷ و  $R = 0.74$  به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۹) مقدار مطلوب ۰/۷۹۲ گزارش شد. روایی پرسشنامه نیز در پژوهش اسمعیلی و همکاران از طریق روایی همگرا و واگرا بررسی و تأیید شد.

**پرسشنامه نگرش به طلاق:** این پرسشنامه توسط کینایرد و جرارد (۱۹۸۶) تدوین شده است و در ایران برای نخستین بار در پژوهشی توسط خجسته مهر، ممبینی و اصلانی (۱۳۹۲) مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس ۱۲ ماده دارد که شامل دو بعد نگرش منفی نسبت به طلاق (۶ گویه) و نگرش مثبت به طلاق (۶ گویه) می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شوند و در ضمن برخی ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. امتیازات بالاتر نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر به طلاق است. در پژوهش قادرپور (۱۳۹۳)، برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای بعد نگرش مثبت به طلاق (۰/۹۱)، و بعد نگرش منفی به طلاق (۰/۸۶) گزارش شده است (خجسته مهر و همکاران). روایی سؤالات نیز در پژوهش قادرپور (۱۳۹۳) از طریق روایی همگرا و تحلیل عاملی

<sup>1</sup> Separation anxiety

<sup>2</sup> Timidity

<sup>3</sup> Fragile inner self

تأییدی بررسی و تأیید شد. با توجه به این که حداقل ضریب پایایی قابل قبول مقدار  $0/70$  می‌باشد، ملاحظه می‌گردد که ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده از این مقدار بالای  $0/7$  است، بنابراین ابزار پژوهش از پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

## یافته‌ها

جدول ۱. مقادیر آمار توصیفی متغیرهای پرسشنامه حساسیت بین فردی

متغیر	زنان مطلقه		زنان متأهل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آگاهی بین فردی	۲۲/۵۲	۲/۲۷۴	۱۹/۵۰	۲/۱۵۹
نیاز به تأیید	۲۵/۲۵	۱/۲۸۴	۲۱/۵۳	۱/۱۲۷
اضطراب جدایی	۲۵/۰۵	۱/۴۴۳	۲۱/۳۸	۱/۲۳۶
کمرویی	۲۴/۷۸	۱/۴۸۵	۲۱/۶۲	۱/۲۵۰
عزت نفس شکننده	۱۶/۳۸	۱/۲۰۹	۱۲/۲۷	۱/۱۳۳
حساسیت بین فردی	۱۱۳/۹۸	۳/۹۸۹	۹۶/۳۰	۳/۱۲۶

در گروه زنان مطلقه از بین متغیرهای حساسیت بین فردی، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «نیاز به تأیید» با میانگین  $۲۵/۲۵$  و انحراف معیار  $۱/۲۸۴$  و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «عزت نفس شکننده» با میانگین  $۱۶/۳۸$  و انحراف معیار  $۱/۲۰۹$  می‌باشد؛ و در گروه زنان متأهل از بین متغیرهای حساسیت بین فردی، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «کمرویی» با میانگین  $۲۱/۶۲$  و انحراف معیار  $۱/۲۵۰$  و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «عزت نفس شکننده» با میانگین  $۱۲/۲۷$  و انحراف معیار  $۱/۱۳۳$  می‌باشد.

جدول ۲. مقادیر آمار توصیفی متغیرهای پرسشنامه تحریف‌های شناختی

متغیر	زنان مطلقه		زنان متأهل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
همه‌بایه‌چ	۶/۴۰	۱/۰۹۲	۴/۵۸	۰/۹۹۶
تعمیم مبالغه‌آمیز	۶/۳۷	۱/۱۳۴	۴/۶۷	۱/۱۱۵
فیلتر ذهنی	۶/۵۷	۱/۰۶۴	۴/۳۵	۱/۱۱۷
بی توجهی به امر مثبت	۶/۶۷	۱/۰۳۶	۴/۴۰	۱/۱۲۳
نتیجه‌گیری شتاب‌زده	۶/۷۳	۱/۱۳۳	۴/۳۲	۱/۰۶۶
درشت بینی سربزینی	۶/۶۸	۱/۰۶۶	۴/۵۲	۱/۰۸۱
استدلال احساسی	۶/۲۸	۱/۰۹۱	۴/۴۸	۱/۲۰۰
یاد-بهرتر	۶/۴۲	۱/۰۶۲	۴/۴۷	۱/۲۰۰
برچسب زدن	۶/۰۷	۱/۰۳۹	۴/۴۲	۱/۰۶۲
شخصی‌سازی	۷/۰۸	۰/۸۵۰	۵/۰۸	۰/۷۶۶
تحریف‌های شناختی	۶۵/۲۷	۲/۷۶۷	۴۵/۲۸	۳/۷۰۶

در گروه زنان مطلقه از بین متغیرهای تحریف‌های شناختی، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «شخصی‌سازی» با میانگین  $۷/۰۸$  و انحراف معیار  $۵/۰۱۹$  و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «برچسب زدن» با میانگین  $۶/۰۷$  و انحراف معیار  $۱/۰۳۹$  می‌باشد؛ و در گروه زنان متأهل از بین متغیرهای تحریف‌های شناختی، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «شخصی‌سازی» با میانگین  $۵/۰۸$  و انحراف معیار  $۵/۰۸۲$  و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «نتیجه‌گیری شتاب‌زده» با میانگین  $۴/۳۲$  و انحراف معیار  $۱/۰۶۶$  می‌باشد.

جدول ۳. مقادیر آمار توصیفی متغیرهای پرسشنامه نگرش به طلاق

متغیر	زنان مطلقه		زنان متأهل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش منفی به طلاق	۱۴/۶۲	۱/۱۵۱	۱۹/۱۸	۱/۲۱۴
نگرش مثبت به طلاق	۱۷/۵۳	۱/۴۵۵	۱۵/۱۳	۱/۳۴۶
نگرش به طلاق	۳۲/۱۵	۱/۶۹۶	۳۴/۳۲	۱/۷۷۱

در گروه زنان مطلقه از بین متغیرهای نگرش به طلاق، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «نگرش مثبت به طلاق» با میانگین ۱۷/۵۳ و انحراف معیار ۱/۴۵۵ و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «نگرش منفی به طلاق» با میانگین ۱۴/۶۲ و انحراف معیار ۱/۱۵۱ می باشد؛ و در گروه زنان متأهل از بین متغیرهای نگرش به طلاق، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «نگرش منفی به طلاق» با میانگین ۱۹/۱۸ و انحراف معیار ۱/۲۱۴ و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «نگرش مثبت به طلاق» با میانگین ۱۵/۱۳ و انحراف معیار ۱/۳۴۶ می باشد.

جدول ۴. آزمون کولموگروف اسمیرنوف شاخص های پژوهش

شاخص	کجی	خطای کجی	کشیدگی	خطای کشیدگی	آماره آزمون	سطح معناداری
حساسیت بین فردی	۰/۰۸۹	۰/۲۲۱	-۱/۴۸۳	۰/۴۳۸	۰/۱۹۰	۰/۰۸۵
تحریف های شناختی	-۰/۰۷۶	۰/۲۲۱	-۱/۶۷۲	۰/۴۳۸	۰/۲۰۵	۰/۰۷۸
نگرش به طلاق	۰/۰۸۲	۰/۲۲۱	-۰/۵۳۸	۰/۴۳۸	۰/۱۱۱	۰/۱۶۴

سطح معناداری آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای تمامی شاخص ها بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه دارای توزیع نرمال می باشند.

برای بررسی پیش فرض همگنی ماتریس واریانس در گروه ها در جدول ۵ نتایج آزمون ام باکس برای برابری ماتریس واریانس در بین دو گروه گزارش شده است:

جدول ۵. نتایج آزمون ام باکس برای بررسی فرض همگنی ماتریس کوواریانس

مقدار باکس	مقدار آماره F	df1	df2	سطح معناداری
۱۲/۳۶۸	۲/۰۰۴	۶	۱۰۰۸۸۳/۳۲۱	۰/۰۶۱

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می گردد، بر اساس آزمون باکس معنی دار نیست و شرط همگنی ماتریس های واریانس/کوواریانس به درستی رعایت شده است ( $\text{BOX}=12/368, F=2/004, p=0/061$ ).

جدول ۶. نتایج بررسی همگنی واریانس های خطا در دو گروه

متغیر	مقدار آماره F	df1	df2	Sig.
حساسیت بین فردی	۱/۰۹۶	۱	۱۱۸	۰/۲۲۶
تحریف های شناختی	۰/۶۸۱	۱	۱۱۸	۰/۴۱۱
نگرش به طلاق	۰/۰۲۳	۱	۱۱۸	۰/۸۸۰

یافته های جدول ۶ نشان می دهد که آماره F آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس های خطای متغیرها در گروه های پژوهش برای حساسیت بین فردی (۱/۰۹۶)، تحریف های شناختی (۰/۶۸۱) و نگرش به طلاق (۰/۰۲۳) معنادار نیست. این یافته ها نشان می دهد که واریانس خطاهای این متغیرها در گروه ها همگن می باشد.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری

نام آزمون	مقدار	مقدار آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
آزمون اثر پیلائی	۰/۹۴۴	۶۴۷/۵۰۵	۳	۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴۴
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۵۶	۶۴۷/۵۰۵	۳	۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴۴
آزمون اثر هتلیگ	۱۶/۷۴۶	۶۴۷/۵۰۵	۳	۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴۴
بزرگترین ریشه روی	۱۶/۷۴۶	۶۴۷/۵۰۵	۳	۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴۴

همان‌طور که از جدول ۷ مشخص است، یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیری حاکی از این است که مقدار F چند متغیری، در تمامی آزمون‌ها در سطح  $P < ۰/۰۵$  از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. لذا می‌توان گفت که بین دو گروه، حداقل در یکی از شاخص‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا (که درواقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت ۰/۷۴۴ درصد است. بدین معنی که ۷۴/۴ درصد از تفاوت نمرات دو گروه ناشی از متأهل یا مطلقه بودن می‌باشد.

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) جهت مقایسه بین دو گروه

مولفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
حساسیت بین فردی	۹۳۸۱/۰۰۸	۱	۹۳۸۱/۰۰۸	۷۳۰/۳۸۵	۰/۰۰۱	۰/۶۶۱
تحریف‌های شناختی	۱۱۹۸۰/۰۰۸	۱	۱۱۹۸۰/۰۰۸	۱۱۴۰/۲۳۳	۰/۰۰۱	۰/۷۰۵
نگرش به طلاق	۱۴۰/۸۳۳	۱	۱۴۰/۸۳۳	۴۶/۸۶۱	۰/۰۰۱	۰/۲۸۴

همان‌طور که از نتایج جدول ۹ مشخص است، سطح معناداری آزمون برای حساسیت بین فردی ( $P < ۰/۰۵$ )، تحریف‌های شناختی ( $P < ۰/۰۵$ ) و نگرش به طلاق ( $P < ۰/۰۵$ ) معنادار است؛ بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مؤلفه‌ها بین دو گروه زنان متأهل و زنان مطلقه پذیرفته نمی‌شود.

برای بررسی پیش فرض همگنی ماتریس واریانس در گروه‌ها شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس فرضیه بین حساسیت بین فردی در بین زنان متأهل و زنان مطلقه به‌درستی رعایت شده است ( $p = ۰/۱۰۰$ ,  $F = ۱/۴۸۷$ ,  $BOX = ۲۳/۳۷۳$ ). آماره F آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌های خطای متغیرها معنادار نیست. این یافته‌ها نشان می‌دهد که واریانس خطاهای این متغیرها در گروه‌ها همگن می‌باشد. یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیری حاکی از این است که مقدار F چند متغیری، در تمامی آزمون‌ها در سطح  $P < ۰/۰۵$  از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. لذا می‌توان گفت که بین دو گروه، حداقل در یکی از مولفه‌های حساسیت بین فردی، تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا (که درواقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت ۷۰/۱ درصد است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) جهت مقایسه بین دو گروه

مولفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
آگاهی بین فردی	۲۷۳/۰۰۸	۱	۲۷۳/۰۰۸	۵۵/۵۴۵	۰/۰۰۱	۰/۳۲۰
نیاز به تأیید	۴۱۴/۴۰۸	۱	۴۱۴/۴۰۸	۲۸۴/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۰۶
اضطراب جدایی	۴۰۳/۳۳۳	۱	۴۰۳/۳۳۳	۲۲۳/۴۰۸	۰/۰۰۱	۰/۶۵۴
کهرویی	۳۰۰/۸۳۳	۱	۳۰۰/۸۳۳	۱۵۹/۶۳۹	۰/۰۰۱	۰/۵۷۵
عزت‌نفس شکننده	۵۰۸/۴۰۸	۱	۵۰۸/۴۰۸	۳۷۰/۵۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۵۸



سطح معناداری آزمون برای مؤلفه‌های آگاهی بین فردی ( $P < 0/05$ )، نیاز به تأیید ( $P < 0/05$ )، اضطراب جدایی ( $P < 0/05$ )، کمرویی ( $P < 0/05$ ) و عزت‌نفس شکننده ( $P < 0/05$ ) معنادار است؛ بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مؤلفه‌ها بین دو گروه زنان متأهل و زنان مطلقه پذیرفته نمی‌شود. با توجه به میانگین نمرات در جدول ۱ مشخص است که میانگین نمرات تمامی مؤلفه‌های حساسیت بین فردی در زنان مطلقه بالاتر می‌باشد.

بر اساس آزمون باکس شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس فرضیه بین تحریف‌های شناختی در بین زنان متأهل و زنان مطلقه درستی رعایت شده است ( $BOX = 57/518$ ,  $F = 0/952$ ,  $p = 0/576$ ). آماره  $F$  آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌های خطای متغیرها معنادار نمی‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که واریانس خطاهای این متغیرها در گروه‌ها همگن می‌باشد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) جهت مقایسه بین دو گروه

مؤلفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
همه‌یاب‌چ	۹۹/۰۰۸	۱	۹۹/۰۰۸	۹۰/۵۷۷	۰/۰۰۱	۰/۴۳۴
تعمیم مبالغه‌آمیز	۸۶/۷۰۰	۱	۸۶/۷۰۰	۶۸/۵۳۹	۰/۰۰۱	۰/۳۶۷
فیلتر ذهنی	۱۴۷/۴۰۸	۱	۱۴۷/۴۰۸	۱۳۳/۹۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۱۴
بی توجهی به اهرمیت	۱۵۴/۱۳۳	۱	۱۵۴/۱۳۳	۱۳۲/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۲۸
نتیجه‌گیری شتاب‌زده	۱۷۵/۲۰۸	۱	۱۷۵/۲۰۸	۱۴۴/۸۶۵	۰/۰۰۱	۰/۵۵۱
درشت بینی-تجزیه‌ناپذیری	۱۴۰/۸۳۳	۱	۱۴۰/۸۳۳	۱۲۲/۲۲۴	۰/۰۰۱	۰/۵۰۹
استدلال احساسی	۹۷/۲۰۰	۱	۹۷/۲۰۰	۷۳/۹۱۸	۰/۰۰۱	۰/۳۸۵
باید-بهر	۱۱۴/۰۷۵	۱	۱۱۴/۰۷۵	۸۸/۸۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۳۰
برچسب زدن	۸۱/۶۷۵	۱	۸۱/۶۷۵	۷۳/۹۵۶	۰/۰۰۱	۰/۳۸۵
شخصی‌سازی	۱۲۰	۱	۱۲۰	۱۸۳/۴۹۹	۰/۰۰۱	۰/۶۰۹

همان‌طور که از نتایج جدول ۱۱ مشخص است، سطح معناداری آزمون برای تمامی مؤلفه‌های تحریف‌های شناختی معنادار است؛ بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مؤلفه‌ها بین دو گروه زنان متأهل و زنان مطلقه پذیرفته نمی‌شود. با توجه به میانگین نمرات در جدول ۱۱ مشخص است که میانگین نمرات تمامی مؤلفه‌های تحریف‌های شناختی در زنان مطلقه بالاتر می‌باشد.

بر اساس آزمون باکس معنی‌دار نیست و شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس فرضیه بین نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت به‌درستی رعایت شده است ( $BOX = 0/974$ ,  $F = 0/319$ ,  $p = 0/812$ ). آماره  $F$  آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌های خطای متغیرها معنادار نمی‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که واریانس خطاهای این متغیرها در گروه‌ها همگن می‌باشد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) جهت مقایسه بین دو گروه

مؤلفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
نگرش منفی به طلاق	۶۲۵/۶۳۳	۱	۶۲۵/۶۳۳	۲۴۶/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۷۹۱
نگرش مثبت به طلاق	۱۷۲/۸۰۰	۱	۱۷۲/۸۰۰	۸۷/۹۴۰	۰/۰۰۱	۰/۴۲۷

همان‌طور که از نتایج جدول ۱۲ مشخص است، سطح معناداری آزمون برای مؤلفه‌های نگرش منفی به طلاق ( $P < 0/05$ ) و نگرش مثبت به طلاق ( $P < 0/05$ ) معنادار است؛ بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مؤلفه‌ها بین دو گروه زنان متأهل و زنان مطلقه

پذیرفته نمی‌شود. با توجه به میانگین نمرات در جدول ۳ مشخص است که میانگین نمرات نگرش منفی به طلاق در زنان متأهل و میانگین نمرات نگرش مثبت به طلاق در زنان مطلقه بالاتر می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، پژوهش حاضر با هدف مقایسه حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد بین حساسیت بین فردی در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که میانگین نمرات تمامی مؤلفه‌های حساسیت بین فردی (آگاهی بین فردی، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت‌نفس شکننده و نیاز به تأیید) در زنان مطلقه بالاتر می‌باشد. در گروه زنان مطلقه از بین متغیرهای حساسیت بین فردی، بیشترین امتیاز متعلق به متغیر «نیاز به تأیید» با میانگین ۲۵/۲۵ و انحراف معیار ۱/۲۸۴ و کمترین امتیاز متعلق به متغیر «عزت‌نفس شکننده» بود. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پورمحسنی و موفق (۱۴۰۱) و لرکی (۱۴۰۱) و عبادی، بشرپور و نریمانی (۱۳۹۹)، نورانا و ولش (۲۰۱۸) و میهان، چاین، روچی، کالرکین و دی-پانفیلیز (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت: زنان مطلقه ممکن است به دلیل تجارب شخصی خود از جمله تجربه طلاق، حساسیت بیشتری نسبت به تعاملات بین فردی پیدا کرده باشند. تجربه طلاق می‌تواند به افزایش درک و حساسیت نسبت به تعاملات اجتماعی و بین فردی منجر شود، زیرا این تجربه معمولاً شامل تجارب عاطفی و اجتماعی پیچیده‌ای است (بسیسکی و همکاران<sup>۱</sup>، ۴۱۰۱). زنی که زمانی همسر و شاید مادر بوده، ناگهان خود را در موقعیتی جدید و متفاوت می‌یابد. این تغییر هویت می‌تواند به ایجاد احساس عدم قطعیت، سردرگمی و کاهش عزت‌نفس منجر شود. جامعه اغلب قضاوت‌های منفی در مورد زنان مطلقه دارد و آن‌ها را با برچسب‌هایی مانند "شکست‌خورده" یا "ناموفق" توصیف می‌کند. این فشارهای اجتماعی نیز می‌تواند به شدت به عزت‌نفس زنان آسیب‌زده و باعث شود که آن‌ها به دنبال تأیید دیگران باشند تا این قضاوت‌ها را خنثی کنند؛ و از آنجایی که تجربه طلاق می‌تواند به شدت به عزت‌نفس زنان آسیب‌زده و باعث شود که آن‌ها احساس کنند کمتر شایسته روابط اجتماعی و عاطفی هستند دچار استرس شده. این استرس می‌تواند بر سلامت روان تأثیر گذاشته و باعث بروز علائمی مانند اضطراب و کمرویی شود. از طرفی، طلاق به معنای از دست دادن شبکه حمایتی قبلی و ایجاد تغییرات در روابط با خانواده، دوستان و آشنایان است. این تغییرات می‌تواند احساس انزوا و تنهایی را تشدید کرده و نیاز به تأیید دیگران را افزایش دهد؛ و چون زنان مطلقه اغلب مجبورند مسئولیت‌های بیشتری را به عهده بگیرند، چه از نظر مالی و چه از نظر مراقبت از فرزندان، این افزایش مسئولیت‌ها می‌تواند باعث ایجاد استرس و کاهش عزت‌نفس شود و در نتیجه، نیاز به تأیید دیگران برای احساس توانمندی بیشتر شود (نیکبخت و شفیع تبار ۱۴۰۳). به عبارتی زنان مطلقه با حساسیت بین فردی بالا به دلیل نشخوار فکری جزییات ریز، نسبت به تعاملات بین فردی از سوی کسی یا از سوی جمع بسیار مستعد افسرده شدن هستند. این افراد با حساسیت به طرد بالا، اغلب با اضطراب به دنبال نشانه‌هایی می‌گردند که کسی نمی‌خواهد با آن‌ها باشد و سعی می‌کنند با همین اضطراب افراد را به سمت خود سوق دهند و در نهایت همین چرخه دردناک باعث افسردگی آن‌ها می‌شود (بشرپور و همکاران،

<sup>1</sup> Besikci, Agnew, & Yildirim

۱۴۰۰). گیلبرت اعتقاد دارد که اگر ما در حد افراط در جستجوی تائید باشیم، در آن صورت نیاز ما به تائید شدن به دامی تبدیل خواهد شد که در آن اسیر می‌شویم. وقتی این امر اتفاق می‌افتد تنها ترس از طرد شدن یا ترس از نالایق بودن نیست که باعث مشکلات ما می‌شود. بلکه تمام وجود ما و احساس ما از خودمان می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد؛ و اگر کارها را طوری انجام دهیم که توسط دیگران تائید نشود، حس طرد شدن به ما دست می‌دهد و سعی می‌کنیم از خودمان انتقاد کنیم. همین انتقادهای فکری فرد را مستعد افسردگی می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد بین تحریف‌های شناختی در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که، میانگین نمرات تمامی مؤلفه‌های تحریف‌های شناختی از قبیل فیلتر ذهنی، بی‌توجهی به امر مثبت، نتیجه‌گیری شتاب‌زده، استدلال احساسی و... در زنان مطلقه بالاتر می‌باشد. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج مقدسی (۱۴۰۱)، سپهری هلان، بیکی اردکانی و حسین زاده (۱۴۰۱)، شیرعلیان، سمواتیان و هاشم پور (۱۴۰۰)، اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۹)، خوری (۱۳۹۸)، خسروی (۱۳۹۷)، مهدوی و حاتمیان (۱۳۹۷)، فلک بلند (۱۳۹۶)، فرطوسی و کرمی (۱۳۹۳)، تودورو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۳)، دومیترسکو و روسو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، مولر، راب و نوتری<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت: فرآیند طلاق همراه با استرس و فشار روانی زیادی است. این استرس می‌تواند بر عملکرد شناختی افراد تأثیر گذاشته و باعث شود که آن‌ها به جای تفکر منطقی، از راهکارهای ساده‌تری مانند تحریف شناختی برای مقابله با مشکلات استفاده کنند، طلاق به معنای تغییر اساسی در نقش‌های اجتماعی و هویت فردی است. این تغییر هویت می‌تواند به ایجاد احساس عدم قطعیت و سردرگمی منجر شود که خود به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده تحریف‌های شناختی عمل می‌کند. زنان مطلقه ممکن است به دلیل تمرکز بر جنبه‌های منفی تجربه طلاق، به‌طور ناخودآگاه از دیدن و قدردانی از جنبه‌های مثبت زندگی خود غافل شوند، در شرایط پر از استرس و عدم قطعیت، افراد تمایل دارند بیشتر بر اساس احساسات خود تصمیم‌گیری کنند تا تفکر منطقی، همچنین، زنان مطلقه ممکن است بر اساس اطلاعات ناکافی یا کلیشه‌های ذهنی، نتیجه‌گیری‌های کلی و منفی در مورد خود، دیگران و آینده خود داشته باشند. هرچه میزان تفکرات یا باورهای غیرمنطقی بیشتر باشد تحریف افکار بیشتر است و همین باعث افسردگی او خواهد شد (ولی تبار و ثابت، ۱۳۹۶). اضطراب، افسردگی، غم، اندوه، خشم و ترس همگی ناشی از طرز فکر و باورهای فرد نسبت به جهان و دیگران است. این باورها مجموعه‌ای از افکار، اندیشه‌ها و عقایدی هستند که در آن اجبار، الزام، وظیفه و مطلق‌گرایی وجود دارد و موجب بروز اختلالات عاطفی و رفتاری می‌گردند و این اختلالات زمینه بروز افسردگی را در زنان مطلقه فراهم می‌آورد. تمام باورهای غیرمنطقی به نحوی هستند که برآورده شدن آن‌ها یا غیرممکن است یا مستلزم سختی‌ها و دشواری‌های زیاد برای خود فرد و دیگران است. به‌عنوان مثال برآورده شدن این باور که "تمام افراد باید مرا دوست داشته باشند"، برای زنان مطلقه دشوار است زیرا در انجام وظایف و برخورد با دیگران همیشه باید طوری رفتار کند که رضایت خود و آن‌ها را جلب نماید. دیگران نیز همیشه باید طوری رفتار کنند که علاقه خود را به آن‌ها نشان دهند. حال آنکه در

<sup>1</sup> Todorov, Paradise, Ha

<sup>2</sup> Dumitrescu, & Rusu

<sup>3</sup> Moller, Rabe, & Nortje

واقعیت این امر مقدور نمی باشد. همیشه زمان هایی وجود دارد که او در برآوردن این باور شکست می خورد و همین باعث ناراحتی و در نهایت افسردگی وی می شود. با تغییر این باورها و کمک به عدم تحریف افکار می توان سلامت روان را برای زنان مطلقه فراهم آورد (فلک بلند، ۱۳۹۶).

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد بین نگرش به طلاق در بین زنان متأهل و زنان مطلقه تفاوت وجود دارد. به طوری که میانگین نمرات نگرش منفی به طلاق در زنان متأهل و میانگین نمرات نگرش مثبت به طلاق در زنان مطلقه بالاتر می باشد. نتیجه به دست آمده با نتایج خدادادیان، جودی، عبادی، پیری (۱۴۰۱)، حسنی، هدایتی، محمدزاده (۱۳۹۶)، فروتن و میرزائی (۱۳۹۵)، سیدان و قریب الملوک (۱۳۹۳) همسومی باشد. در تبیین این یافته می توان بیان داشت: در این پژوهش چون از پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش استفاده شد نمی توان علت های مشخصی برای نگرش مثبت زنان مطلقه به طلاق را بیان نمود زیرا دلایل گوناگونی موجب شده در عصر حاضر زنان از نقش منفعل خود در طلاق فاصله گرفته و در بیشتر موارد متقاضی طلاق شوند. در سال های قبل یکی از دلایلی که موجب می شد زنان با وجود عدم رضایت در زندگی زناشویی خود بمانند کسب امنیت مالی و اقتصادی بود؛ اما امروزه افزایش سطح تحصیلات و ورود بی سابقه زنان به بازار کار و تکیه بر توانایی ها و استعداد های شخصی موجب بالا رفتن استقلال و عزت نفس زنان شده است و استقلال مالی و اقتصادی موجب شده زنان بدون ترس از آینده مالی در صورت نارضایتی از زندگی مشترک به جدایی و طلاق فکر کنند. به همین دلیل پژوهش ها درخواست طلاق از جانب زنان را بیش از مردان گزارش می دهند (الحسینی، ۱۳۹۰). یافته های حاصل از تجارب مشارکت کنندگان در پژوهش های کیفی نشان می دهد که اکثریت زنان مطلقه معتقد بودند طلاق پدیده ای با پیامدهای مثبت است. زنان مطلقه خلاص شدن از شرایط تنش زای محیطی و عاطفی دوران تأهل به دلیل وجود همسری نامناسب را معنای مثبت طلاق می دانستند از دیدگاه آنان ازدواج در ذهنیت تصویری مانند قفلی است که دو مرد و زن را به یکدیگر وابسته می نماید و طلاق مانند کلیدی است که این قفل را گشوده و شرایط آزادی از عامل تنش زای وابسته یعنی شوهر (همسر) را ایجاد می نماید؛ و با کمتر کردن محدودیت ها، باعث فراهم شدن بستر مناسبی برای ارتقای توانمندی های تحصیلی، شغلی و اقتصادی می شود و فرآیند طلاق مرهون این فرآیند جدا سازنده است؛ بنابراین مشارکت کنندگان (زنان مطلقه) طلاق را با مفاهیمی همچون "رهایی" و "آزادی" توصیف می کردند رزمجویی (۱۳۹۵). درواقع تجربه طلاق ممکن است به زنان مطلقه کمک کرده باشد تا ارزش های جدیدی از آزادی و استقلال را بشناسند. از سوی دیگر، این نگرش مثبت می تواند ناشی از تلاش برای سازگاری با وضعیت جدید و پذیرش واقعیت های موجود باشد. زنان مطلقه ممکن است به دلیل مواجهه با چالش های مربوط به طلاق، نسبت به آن دیدگاه واقع بینانه تری پیدا کنند و به آن به عنوان فرصتی برای رشد شخصی و تغییرات مثبت بنگرند. از سوی دیگر تغییر نگاه جامعه به پدیده طلاق به عنوان راهی برای بازسازی زندگی، موجب می شود زنان بدون ترس از انگ اجتماعی یا پذیرفته نشدن در جامعه و خانواده مبدأ برای طلاق اقدام کنند. این پدیده را می توان با نظریه وجدان جمعی دورکیم تبیین کرد. به اعتقاد دورکیم (۱۹۰۲) هر قدر وجدان جمعی قوی تر باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادث تر می شود و با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش های منفی منتسب به طلاق کاهش می یابد و بر میزان طلاق افزوده می شود. پژوهش ها نشان می دهد زنانی که در زندگی زناشویی خود احساس استقلال و اختیار نداشتند و مجبور به پذیرش نقش سنتی زن در خانواده بودند، انگیزه بیشتری

برای رهایی از خود نشان دادند، آن‌ها حقوق اولیه خود را پایمال شده می‌دیدند و معتقد بودند که ابزاری برای برآوردن نیازهای همسرانشان بودند. به نظر آن‌ها مردان، خود را مالک زنان خود دانسته و حق انتخاب را از آن‌ها سلب کرده بودند؛ بنابراین انگیزه‌های اصلی زنان برای طلاق شامل بازیابی عزت نفس و ارزش‌های پایمال شده در زندگی زناشویی، کسب آزادی عمل و استقلال، حفظ سلامت و امنیت، پیشرفت، پیگیری علایق شخصی و برقراری ارتباط سالم با دیگران است.

به‌طورکلی، این تفاوت‌ها یعنی متفاوت بودن مولفه‌های حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در زنان متأهل و مطلقه ممکن است به دلیل تجربه‌های عاطفی و شناختی متفاوتی باشد که زنان مطلقه در مقایسه با زنان متأهل دارند. تجربیات مرتبط با طلاق می‌تواند بر نحوه تفکر و احساسات آن‌ها تأثیر بگذارد و به شکل‌گیری الگوهای خاصی در حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق منجر شود. نتایج این پژوهش مربوط به زنان مراجعه‌کننده به مرکز خانه سلامت و مشاوره سرای محله منطقه ۱۴ است و در تعمیم نتایج به افراد دیگر باید محتاط بود. از آنجاکه در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است افراد شانس مساوی برای انتخاب شدن در نمونه را ندارند؛ بنابراین سوگیری در این نمونه‌گیری زیاد اتفاق می‌افتد و نتایج قابل تعمیم به کل جمعیت نیست.

## منابع

- اسماعیلی، معصومه، درخشان، نفیسه؛ محمودپور، عبدالباسط؛ خسروانی، فرخنده؛ و قاسمی نیایی، فاطمه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان. روان‌شناسی تحلیلی شناختی، ۱۱(۴۰)، ۱-۱۰.
- باقری شیخانگش، فرزین؛ و فراهانی، حجت اله. (۱۴۰۱). نقش ناگویی هیجانی، حساسیت اضطرابی و اضطراب درد در پیش‌بینی عملکرد جنسی زوجین، چهارمین کنگره ملی انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران.
- بگی، میلاد؛ حسینی، حاتم. (۱۴۰۰). تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چند سطحی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳۴)، ۲۳-۴۴.
- حسینی، طاهره. (۱۴۰۰). طلاق و آسیب‌های آن بر خانواده و اجتماع. پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده. ۴(۶)، ۲-۹.
- کریمی، یوسف. (۱۴۰۲). روانشناسی اجتماعی، تهران، بعثت، چاپ اول.
- گلابی، فاطمه؛ و شکوهی علیشاه، احد. (۱۴۰۰). جنسیت و تمایز عادت واره: بررسی مقایسه‌ای فهم و تجربه زنان و مردان در مواجهه با طلاق (مورد مطالعه: شهر تبریز). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰(۲)، ۵۲۹-۵۶۰.
- لرکی، رویا. (۱۴۰۱). پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس حساسیت بین فردی در زوجین، سومین کنفرانس ملی مطالعات آسیب‌شناسی روانی و روش‌های نوین درمان، تهران.
- همایونی، زهرا. (۱۳۹۹). ازدواج و خانواده. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- Aydın, G., Özdiñç, N. K., & Aksu, M. (2015). The relationship between cognitive distortions and forgiveness in romantic relationships. *Journal of Human Sciences*, 12(1), 1338-1349
- Beck, U. B., Beck- Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and politice Consequences*. London: sage

- Bohner, G. & wank, N. (2011). Attitudes and attitude change. *Annual review of psychology*, 62, 391-417
- Ellis, A. (2003). The Nature of Disturbed Marital Interaction. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-BehaviorTherapy*, 21 (3-4), 143-7
- Kamal, N., Abdul, N., Wan, A. (2023). Antecedents of Quality Interpersonal Communication in Marriage: A View From Divorcess, Strengthening Governance, Enhancing Integrity, 10, 15405
- Khataybeh, Y. D. A. (2022). The Consequences of Divorce on Women: An Exploratory Study of Divorced Women Problems in Jordan. *Journal of Divorce & Remarriage*, 20(2), 332-351.
- Lorenz, O.F., & Wickrama, S., K A., & Conger, D.R., & Elder, H.G. (2016)The Short-Term and Decade-Long Effects of Divorce on Women's Midlife Health". *Journal of Health*, 1-10.
- Otsuka, A., Takaesu, Y., Sato, M., Masuya, J., Ichiki, M., Kusumi, I., & Inoue, T. (2020). Interpersonal sensitivity mediates the effects of child abuse and affective temperaments on depressive symptoms in the general adult population. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 13, 2559-68
- Rootalu, K., & Kasearu, K. (2016) Adolescents' Attitudes Toward Divorce: Does Parental Influence Matter in a Changing Society. *Journal of Divorce and Remarriage*, 57, 195-211.
- S.Park, S. (2021). "The Development of The Marital Attitudes and Xpecations Scale.
- Whitton, S.W., Stanley, S., Markman, M., Howard, J., Christine, A. (2015). Attitudes Toward Divorce, Commitment and Divorce Proneness in First Marriages and Remarriages. *Journal of Marriage and Family*, 75, 276-287.